فصلنامه مطالعات زبان و گویش های غرب ایران ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی ، دانشگاه رازی کرمانشاه

سال اول ، شماره اول ، تابستان ۱۳۹۲ ، صص ۵۹ – ۷۷

دستوری‌شدگی طبقه‌نمای *ne /done* در گونه تاکستانی زبان تاتی

مهرداد نغزگوی‌کهن (دانشیار گروه زبان‌شناسی دانشگاه بوعلی‌سینا همدان)

راحله ایزدی‌فر (دانشجوی دکتری زبان‌شناسی دانشگاه بوعلی‌سینا همدان)

چکیده

یکی از فرایندهای مهم تغییر زبانی، دستوری‌شدگی است. طی این فرایند، واحدهای واژگانی به تدریج نقش معنایی خود را از دست می‌دهند و از یک واحد قاموسی به واحد نقشی یا دستوری تبدیل می‌شوند و یا واحدهای دستوری، دستوری‌تر می‌شوند. طبقه-نماها نشان‌دهنده سازمان‌دهی دانش سخنگویان یک زبان هستند که بر اساس جوانب فرهنگی مشترک بین سخنگویان آن زبان برای طبقه‌بندی مفاهیم به کار می‌روند. ساخته‌شدن طبقه‌نماهای عددی در زبان تاتی نمونه‌ای از دستوری‌شدگی است. بررسی طبقه‌نماهای عددی نشان می‌دهد که این کلمه‌ها حاصل دستوری‌شدگی یک اسم به طبقه‌نما هستند. این عناصر زبانی، ویژگی‌های کلمه‌های قاموسی را از دست داده‌اند و ویژگی‌های کلمه‌های نقشی را کسب کرده‌اند. این تحقیق به بررسی فرایند دستوری-شدگی طبقه‌نمای عددی *"done"* یا *"ne"* در تاتی تاکستانی می‌پردازد. طبقه‌نمای عددی عام *"done"* در گونه تاکستانی زبان تاتی جایگزین سایر طبقه‌نماهای عددی در این گویش شده و در اثر کاربرد زیاد به صورت *"ne"* کاهش آوایی یافته است. بر اساس معیارهای مطرح‌شده در این مقاله می‌توان گفت که دستوری‌شدگی تا حد زیادی در مورد طبقه‌نمای عددی عام *"ne"* در گونه تاتی تاکستانی رخ داده است.

واژه‌های کلیدی: دستوری‌شدگی، طبقه‌نماهای عددی، زبان تاتی، گونه تاکستانی

۱- مقدمه

اصطلاح دستوری‌شدگی[1] به فرایندی اطلاق می‌شود که طی آن عناصر زبانی (عناصر واژگانی، کاربردشناختی و حتی آوایی) به سازه‌های دستوری تبدیل می‌شوند و یا عناصر دستوری با گذشت زمان دستوری‌تر می‌شوند (هاپر و تراگو[2] ۲۰۰۳: ۱). فرایند دستوری‌شدگی از دو دیدگاه درزمانی و هم‌زمانی بررسی می‌شود اما عموما فرایندی درزمانی محسوب می‌شود. در دستوری شدگی خاستگاه کلیه امکانات دستوری واژگان در نظر گرفته می شود و طبقه نما ها نیز از این قاعده مستثنی نیستند.

طبقه‌نماها اجزایی هستند که عموماً خصوصیات پدیده‌های پیرامون انسان‌ها در یک جامعه زبانی را نمایه[3] می‌کنند. طبقه‌نماها معمولاً به صورت تکواژ آزاد در ساختار زبان‌ها ظاهر می‌شوند و دارای معنا هستند و خصوصیات اسمی که همراهش می‌آیند را نشان می‌دهند. بیشتر طبقه‌نماها در سایر محیط‌ها به عنوان اسم به کار می‌روند و در صورتی که به عنوان طبقه‌نما ظاهر شوند، دارای ویژگی‌های خاص عناصر دستوری هستند. با توجه به معیارهای خاصی می‌توان گفت که طبقه‌نماهای عددی در اکثر زبان‌ها دستوری شده‌اند. برای مثال طبقه‌نماهای عددی "حلقه" و "نفر" در "دو **حلقه** چاه" یا "دو **نفر** آدم" در زبان فارسی طبقه‌نمای عددی محسوب می‌شوند که دستوری نیز شده‌اند (استاجی ۱۳۸۸: ۹۴).

در این مقاله به بررسی دستوری‌شدگی طبقه‌نماهای عددی در زبان تاتی می‌پردازیم. زبان تاتی یکی از زبان‌های ایرانی نو شاخه شمال غربی است که در مناطقی در شمال غربی ایران در استان‌های آذربایجان، قزوین، البرز و اردبیل به آن تکلم می‌شود (یارشاطر ۱۹۶۰ و ۱۹۶۹). از میان گونه‌های مختلف زبان تاتی مورد تکلم در ایران، گونه تاکستانی زبان تاتی به علت دسترسی به گویش‌وران این گونه در پژوهش کنونی انتخاب شده‌است. به علت نبود داده‌های مکتوب از مرحله‌های پیشین زبان تاتی، دید تحقیق کنونی تنها همزمانی است.

مواد زبانی مورد نیاز این مقاله به روش میدانی گردآوری شده است بدین صورت که جمله‌های مقاله به صورت مصاحبه از گویشوران تات‌زبان پرسیده و ثبت شده است.

این مقاله در پنج بخش تنظیم شده است، بعد از مقدمه، در بخش دوم، فرایند دستوری‌شدگی به اختصار معرفی شده‌است. در بخش سوم طبقه‌نماهای عددی و فرایند دستوری‌شدگی آنها بررسی شده است. در بخش چهارم، پس از معرفی کوتاهی از زبان تاتی، به بررسی فرایند دستوری‌شدگی طبقه‌نماهای عددی در گونه تاتی تاکستان پرداخته‌ایم. بخش پنجم به نتیجه‌گیری اختصاص دارد.

---

[1] grammaticalization or grammaticization
[2] Hopper & Traugott
[3] index

۲- دستوری‌شدگی

دستوری‌شدگی به معنای تغییری است که بر اساس آن، عبارات و اجزاء واژگانی در بافت‌های زبانی خاصی برای اهداف دستوری به کار می‌روند و وقتی دستوری شدند، برای اهداف دستوری جدیدی نیز به کار می‌روند. بر این اساس برای مثال اسم‌ها و فعل‌ها در طول زمان به عناصر دستوری مثل نشانه‌های حالت، کلمات ربط، افعال کمکی و جز آن تغییر پیدا می‌کنند. اجزای زبانی با دستوری‌شدگی به تدریج از معنای قاموسی تهی می‌شوند و مقیدتر می‌گردند. زبان‌شناسان بر اساس شواهد موجود از زبان‌های مختلف برای تغییرات دستوری‌شدگی، مراحلی را در نظر گرفته‌اند و این مراحل را در نمودار مرحله‌ای نشان می‌دهند که وقوع مراحل مختلف فرایند دستوری‌شدگی به ترتیب بر اساس آن رخ می‌دهد (هاپر و تراگو ۲۰۰۳: ۱۹-۳۰، ویشر[۴]۲۰۰۶: ۱۳۰-۱۴۰، نیز رک. نغزگوی کهن ۱۳۸۷: ۳-۲۴):

(۱) جزء واژگانی آزاد > کلمه نقشی > واژه بست > وند تصریفی (>صفر)

دستوری‌شدگی جهت‌دار است. به عبارت دیگر هر چه از سمت راست به سمت چپ حرکت کنیم، عنصر مورد نظر دستوری‌تر می‌شود. هر صورت زبانی عموما از یک نقطه روی سمت راست این نمودار مرحله‌ای به نقطه‌ای در سمت چپ نمودار حرکت می‌کند و گرایش قوی به یک سویه بودن در تاریخ صورت‌های منفرد زبانی وجود دارد. کلمات نقشی در عبارت‌های دستوری تحلیلی به کار می‌روند، ولی با تبدیل کلمهٔ نقشی به واژه‌بست یا وند تصریفی، ساخت های دستوری به صورت ترکیبی در می‌آیند. ساخت‌های دستوری ترکیبی ، دستوری‌تر از ساخت‌های تحلیلی هستند. بنابراین اصل کلی دستوری‌شدگی را می‌توان به صورت نمودار مرحله‌ای (۲) نشان داد:

(۲) صورت کمتر دستوری > صورت دستوری‌تر

دستوری‌شدگی از دو دیدگاه مطالعه شده است: رویکرد اصلی دستوری‌شدگی تاریخی است و به بررسی منابع صورت‌های دستوری و مراحل تغییرات می‌پردازد. در این دیدگاه، دستوری‌شدگی عموماً به معنای مجموعه‌ای از فرایندهای تغییر زبانی است که طی آن کلمات یا ساخت‌های زبانی در کاربردهای خاصی دارای خصوصیات دستوری می‌شوند یا یک مورد دستوری، دستوری‌تر می‌شود. دیدگاه دیگر، همزمانی‌تر است و دستوری‌شدگی را پدیده نحوی، کلامی یا کاربردشناختی می‌داند که از دیدگاه الگوهای سیال کاربرد زبانی بررسی می‌شود. در برخی زبان‌ها، داده‌های تاریخی برای تغییر بسامد[۵] و محیط کلامیِ صورت‌ها وجود ندارد و داده‌های مکتوبی از گذشته این زبان‌ها در دست نیست. مطالعه دستوری‌شدگی در این زبان‌ها صرفا بر اساس مطالعه توزیع نحوی صورت‌های دستوری در کلام[۶] انجام

---

[4] *Wischer*
[5] *frequency*
[6] *discourse*

می‌شود. در دیدگاه هم‌زمانی، واحدهای زبانی بر روی یک طیف مرتب می‌شوند که در یک سوی آن، ساختار واژگانی نامحدود و در یک سوی دیگرش، ساختار دستوری محدود قرار دارند و هر یک میزان خاصی از دستوری‌شدگی را نشان می‌دهند. لمان[۷] (۱۹۸۵ به نقل از ویشر۲۰۰۶ :۱۳۳) معیارهای جانشینی[۸] همچون دامنه کاربرد[۹] و معیارهای هم‌نشینی[۱۰] همچون یکپارچگی زیاد [۱۱] را برای تعیین میزان دستوری‌شدگی مطرح کرده است که هر یک مرتبط با روند خاصی از بعد درزمانی دستوری‌شدگی است.

در میان زبان‌های ایرانی، نغزگوی کهن (۱۳۸۷، ۱۳۸۹الف و ب) به تفصیل به بررسی دستوری‌شدگی در زبان فارسی پرداخته است.

در این بخش به معرفی فرایند دستوری‌شدگی در زبان پرداختیم. بخش ۳ به بررسی طبقه‌نماهای عددی و دستوری‌شدگی آنها اختصاص دارد.

۳- طبقه‌نماهای عددی و دستوری‌شدگی آنها

بخش نخست این بخش به معرفی طبقه‌نماهای عددی اختصاص دارد و در ادامه به بررسی فرایند دستوری-شدگی آنها خواهیم پرداخت.

۳-۱- طبقه‌نماهای عددی

طبقه‌نماها کلمات مستقلی (معمولا اسم) هستند که جایگاه خاصی در گروه اسمی دارا هستند. طبقه‌نماها عموما خصوصیات پدیده‌های پیرامون انسان‌ها در یک جامعه زبانی را نمایه می‌کنند. وقوع طبقات اسمی مشابه در زبان‌های دارای طبقه‌نما نشان می‌دهد که جوامع زبانی مختلف به نحو مشابهی پدیده‌های درک‌شده پیرامون‌شان را مقوله‌بندی می‌کنند. هر اسم براساس خصوصیات مشترک در مرجعش[۱۲] در طبقه‌ها قرار می‌گیرد. این خصوصیات ممکن است جهانی و واضح از دید همه انسان‌ها باشد و یا بسته به هر فرهنگ متفاوت باشد (آلن[۱۳] ۱۹۷۷: ۲۹۰).

آلن (۱۹۷۷: ۲۸۵- ۳۱۱) با بررسی بیش از پنجاه زبان دارای طبقه‌نما نشان داد که در این زبان‌ها جهانی‌های مطلقی وجود دارد و شباهت‌های زیادی بین این زبان‌ها وجود دارد. استفاده از طبقه‌نمای عددی (در زبان‌هایی که دارای این اجزاء هستند) در عبارت‌هایی که اشاره به کمیت دارند، اجباری است (همو). طبقه‌نماهای عددی در

---

[7] Lehmann
[8] syntagmatic
[9] scope
[10] paradigmatic
[7] high integrity
[12] referent
[13] Allen

مجاورت اعداد در گروه اسمی عددی ظاهر می‌شوند (هایشنوالد[۱۴] ۲۰۰۰: ۹۸). مثلاً به این کاربرد در زبان تایلندی[۱۵] توجه کنید (آلن ۱۹۷۷: ۲۸۶):

3) a. *khru·* *lâ·j* ***khon*** *'three teachers'*
teacher three person
b. *mă·* *sì·* ***tua*** *'four dogs'*
dog four body

در جمله (۳- الف) کلمه *"khon"* طبقه‌نمای عددی است و برای اسم‌های دارای مرجع انسان به کار می‌رود. در جمله (۳- ب) نیز کلمه *tua* طبقه‌نمای عددی است و در گروه‌های اسمی با اسم دارای مرجع جانداران غیرانسان ظاهر می-شود.

طبقه‌نماهای عددی، تکواژهای نقشی هستند که در برخی زبان‌ها بین اعداد و اسم‌ها در گروه اسمی می‌آیند، در زبان فارسی گروه اسمی "پنج تا پرنده" نمونه‌ای از گروه اسمی حاوی طبقه‌نما به شمار می‌رود. طبقه‌نماهای عددی و نشانه‌های صرفی شمار در بسیاری زبان‌ها در توزیع تکمیلی با یکدیگر قرار دارند (گرینبرگ[۱۶] ۱۹۶۳). برای مثال، انگلیسی از شمار جمع استفاده می‌کند اما فاقد طبقه‌نماهای عددی برای شمارش اسم است، همچون:

4. *one table / two tables*

در زبان چینی در ساخت‌هایی از نوع عدد+ اسم، وجود طبقه‌نما اجباری است و در انگلیسی، نشانه تصریفی شمار در گروه‌های اسمی دارای مرجع جمع اجباری است. در برخی زبان‌ها هم از طبقه‌نما و هم از شمار جمع در ساخت گروه اسمی ممکن است استفاده شود. مثال (۵) از فارسی کاربرد هم‌زمان طبقه‌نما و شمار جمع را نشان می‌دهد:

۵) دو **تا** از کتاب‌ها را خواندم.

انتخاب طبقه‌نماها بستگی به اسم خاصی دارد که هسته گروه اسمی به شمار می‌رود. در بسیاری موارد، اسم‌هایی که با طبقه‌نمای خاصی به کار می‌روند، دارای خصوصیات معنایی مشترکی هستند که معمولا با اندازه و شکل اسم‌ها مرتبط است، اما استثناهای زیادی نیز در این طبقه‌بندی‌ها دیده می‌شود. طبقه‌نماهای عددی تنها در برخی زبان‌های دنیا همچون ویتنامی، مالایایی[۱۷] و ژاپنی به کار می‌روند و محدوده معنایی یک اسم قابل شمارش را با توجه به واحد طبیعی آن اسم مشخص می‌کنند. بسیاری از زبان‌شناسان نقش طبقه‌نماهای عددی در زبان‌های دارای آنها را

---

14 Aikhenvald
15 *Thai*
16 Greenberg
17 *Malay*

منفردسازی[۱۸] مفاهیم اسمی برای قابل‌شمارش‌کردن آنها می‌دانند. در زبان‌هایی که دارای طبقه‌نماهای عددی هستند، هر زمان که یک عدد[۱۹] یا برخی کمّیت‌نماهای[۲۰] معرفه در گروه اسمی وجود داشته باشد، باید طبقه‌نما نیز در گروه اسمی به کار رود.

۳-۲- دستوری‌شدگی طبقه‌نماهای عددی

شواهد درزمانی و هم‌زمانی نشان می‌دهد که بیشتر طبقه‌نماهای عددی در زبان‌های دارای طبقه‌نما، دارای منشا اسمی[۲۱] هستند و با دستوری‌شدگی اسم به‌وجود آمده‌اند (رک. لمان ۲۰۰۰، کو[۲۲] ۲۰۰۸). برای مثال در کره‌ای بیش از ۱۰۰ طبقه‌نمای عددی وجود دارد که همه از اسم مشتق شده‌اند. لمان (۲۰۰۲: ۳۵) معتقد است که در فارسی ۱۴ طبقه‌نمای عددی وجود دارد که همه آنها از اسمی که معنایش کاملا مشخص است مشتق شده‌اند و به غیر از دو مورد، همه آنها هنوز می‌توانند به عنوان اسم به کار روند.

در فارسی نو اسم‌ها می‌توانند صرفاً با عدد به‌کار روند همچون "دو ایرانی"؛ همچنین در صورت وجود عدد در گروه اسمی، طبقه‌نمای عددی نیز می‌تواند در عبارت مورد نظر به کار می‌رود همچون "دو نفر ایرانی". این اختیار انتخاب الگو در فارسی به باور لمان (۲۰۰۲: ۵۳) نشان‌دهنده دستوری‌شدگی ضعیف طبقه‌نماهای عددی در این زبان است. طبقه‌نماهای فارسی در ساخت عددی به صورت تکواژ آزاد باقی می‌مانند و جوش‌خوردگی[۲۳] در مورد آنها رخ نمی‌دهد؛ به عبارت دیگر، عدد و طبقه‌نما به لحاظ آوایی در هم ادغام نمی‌شوند. از سوی دیگر، چند خصوصیت نشان می‌دهند که طبقه‌نماهای عددی فارسی تا حدی دستوری شده‌اند. نخست اینکه صیغگان آنها کاملا یکپارچه است و به صورت سلسله‌مراتبی سازمان‌دهی شده، به این صورت که هشت طبقه‌نما برای طبقات مختلف اشیاء بیجان، یک طبقه‌نما برای حیوانات بزرگ‌تر و اهلی وجود دارد و دو طبقه‌نما برای حیوانات کوچک‌تر و اشیاء بیجان هست که هشت طبقه‌نمای اول را خنثی می‌کنند و دو طبقه‌نما برای انسان‌ها هست و یک طبقه‌نمای عام نیز هست که تمام طبقه‌نماهای دیگر را خنثی می‌کند. دوم اینکه گرچه معنای اولیه طبقه‌نماها مشخص است، برخی از این معنی‌ها با کاربرد طبقه‌نما منطبق نیست و معنی‌زدایی[۲۴] در مورد آنها رخ داده است. برای مثال "دست" در معنای اولیه "عضوی از بدن" به عنوان طبقه‌نمای عددی در "یک دست لباس" به کار می‌رود. لمان با توجه به این دلایل نتیجه گرفته که

---

18 *individuate*
19 numeral
20 quantifiers
21 nominal
22 Koo
23 sandhi
24 decemanticization

نظام دستوری‌شدگی به طور ضعیف در مورد طبقه‌نماهای عددی در فارسی رخ داده است (لمان ۲۰۰۲: ۵۳، برای طبقه‌نماهای فارسی رک. استاجی ۱۳۸۸: ۹۳- ۱۰۸).

نظام طبقه‌نماهای ژاپنی بر خلاف فارسی، تا حد زیادی دستوری شده و یکی از نشانه‌های آن، کاملا اجباری بودن طبقه‌نماها در گروه‌های اسمی عددی است، به نحوی که شمردن اسم‌ها بدون طبقه‌نما در این زبان غیرممکن است. یکی دیگر از معیارهای دستوری‌شدگی طبقه‌نماها در این زبان نداشتن کاربرد مستقل یا معنای مستقل طبقه-نماها است. طبقه‌نماهای این نظام دستوری‌شده به عدد به صورت پسوند متصل می‌شوند و همگونی[۲۵] نیز بین عدد و پسوند برقرار می‌شود (لمان ۲۰۰۲: ۵۳- ۵۴).

در این بخش به معرفی طبقه‌نماهای عددی و دستوری‌شدگی آنها پرداختیم. بخش بعد به بررسی دستوری-شدگی طبقه‌نماهای عددی در زبان تاتی اختصاص دارد.

۴- دستوری‌شدگی طبقه‌نماهای عددی در تاتی تاکستانی

در این بخش نخست زبان تاتی به صورت مختصر معرفی شده و سپس روند دستوری‌شدگی طبقه‌نماهای عددی در گونه تاکستانی این زبان بررسی شده است.

۴-۱- زبان تاتی

استیلو (۲۰۰۸: ۳۶۴) زبان تاتی را در کنار زبان تالشی در گروه زبان‌های تاتی- تالشی[۲۶] قرار داده و این گروه را یکی از گروه‌های زبان‌های ایرانی نو شمال غربی دانسته است. به طور کلی زبان تاتی به دو دسته تاتی شمالی و تاتی جنوبی تقسیم می‌شود. تاتی شمالی در خارج از ایران تکلم می‌گردد و تاتی جنوبی در نواحی مختلفی از ایران از جمله مناطقی در جنوب غربی قزوین شامل تاکستان، چال، اسفرورین، خیارج، دانسفهان، ابراهیم‌آباد و سگزآباد (یارشاطر ۱۹۶۹ : ۱۷- ۱۸) رایج است.

از آنجا که زبان تاتی جنوبی، گونه‌ها و لهجه‌های متنوعی دارد، از میان گونه‌های مختلف تاتی مورد تکلم در ایران که در بالا ذکر شدند، گونه تاکستانی به علت دسترسی به گویشوران آن برای انجام تحقیق میدانی برای تحقیق کنونی انتخاب شده است [۲۷]. تاکستان بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن[۲۸] سال ۱۳۹۰ ، ۱۷۲۰۰۰ نفر

---

[25] assimilation

[26] Tatic

[۲۷] از خانم‌ها الهام رحمانی، سعیده رحمانی، ندا طاهرخانی و ندا مهدوی گویش‌وران تاتی تاکستانی که در جمع‌آوری داده‌های زبانی این مقاله، نگارندگان را یاری کرده‌اند، سپاس‌گزاریم.

[28] http://www.amar.org.ir/

جمعیت دارد که ۱۱۱۰۰۰ نفر در شهر تاکستان و ۶۱۰۰۰ نفر در روستاهای آن ساکن هستند. داده‌های تحقیق کنونی به صورت مصاحبه از گویشوران گونه تاکستانی زبان تاتی پرسیده و ثبت شده است.

۴-۲- دستوری‌شدگی طبقه‌نماهای عددی در گونه تاکستانی زبان تاتی

طبقه‌نماهای عددی در تاتی تاکستانی در جایگاه بعد از عدد و قبل از اسم هسته برای طبقه‌بندی مفاهیم اسمی در گروه‌های اسمی قابل شمارش به کار می‌روند. گرچه کاربرد آنها در این زبان اجباری نیست، در صورت وجود عدد در گروه اسمی، کاربرد طبقه‌نما نیز در همه گروه‌های اسمی عددی مشاهده می‌شود. ترتیب سازه‌ها در گروه اسمی عددی در تاتی تاکستانی به صورت عدد + طبقه‌نمای عددی + اسم است و در صورت وجود صفت اشاره در گروه اسمی، این کلمه در ابتدای گروه اسمی قرار می‌گیرد. برای مثال:

*6) a. sön**ne** mâgâve kârâ mânde.* "سه رأس گاو دارند می آیند."
3-CL[29] cow continuous come
*b. â in**ne** görbiye čimiš Ganâri boxârdi.* "آن یک گربه قناری من را خورده."
that 1-CL cat my canary ate

طبقه‌نماهای عددی تاکستانی را می‌توان بر اساس معیارهای معنایی همچون جانداری، شکل، اندازه، ساختار و ماده تشکیل‌دهنده به چند گروه تقسیم کرد اما در این گویش یک طبقه‌نمای عام بر سایر طبقه‌نماها ترجیح دارد و به عنوان جایگزین سایر طبقه‌نماها نیز به کار می‌رود.

طبقه‌نماهای اصلی جدول (۱) در تاتی تاکستانی با اسم‌های شمارپذیر به کار می‌روند:

جدول (۱): طبقه‌نماهای عددی در تاتی تاکستانی

طبقه‌نما	موارد کاربرد	مثال	
nafar	انسان	دو نفر آدم	*dö nafar âdam*
halGe	چاه	دو حلقه چاه	*dö halGe čâ*
done[۳۰]	طبقه‌نمای عام	دو دانه گردو	*dö döne uz*
		نه عدد ساعت	*nö döne sât*
		یک عدد سیب	*i dene asife*

[۲۹] کلمه طبقه‌نما به صورت CL در آوانگاری‌ها مشخص شده است.

[۳۰] واکه اول کلمه *döne* بسته به واکه عدد قبل از خود به صورت e یا ö یا o تلفظ می‌شود.

تات‌زبانان گونه تاکستانی در گفتار روزمره در بیشتر موارد از طبقه‌نمای عددی عام *"ne"* که صورت کوتاه‌شده *"done"* است، در گروه‌های اسمی شمارپذیر استفاده می‌کنند اما هر دو صورت اصلی و کوتاه‌شده از دید گویشوران قابل قبول هستند:

7) *i dene görbiye* یا *inne görbiye* "یک گربه"

البته صورت کوتاه شده خود نشان‌دهندهٔ سایش آوایی این جزء و دستوری‌شدگی آن می‌باشد. جدول (۲) مثال‌هایی از طبقه‌نمای عام *"ne"* را در تاتی تاکستانی نشان می‌دهد:

جدول (۲): کاربرد طبقه‌نمای عام *"ne"*

dönne âdam	دو تا آدم
payne parande	پنج تا پرنده
payne deraxt	پنج اصله درخت
dönne tâ	دو تا نخ
dönne otâG	دو تا اتاق
dönne čâ-m bekand.	دو تا چاه کندم.
dönne mâgâve	دو تا گاو

فرایند دستوری‌شدگی اسم‌ها به طبقه‌نما در ساخت‌های دارای طبقه‌نمای عددی در زبان‌های مختلف ممکن است مسیرهای متفاوتی را طی کند. نظام‌های طبقه‌نمای عددی به لحاظ میزان دستوری‌شدگی‌شان متفاوت هستند و برخی از آنها یک طبقه واژگانی باز را تشکیل می‌دهند (هایشنوالد ۲۰۰۰: ۹۱). بررسی معیارهای رده‌شناختی دستوری‌شدگی در مورد طبقه‌نمای عام *"done"* حاکی از آن است که این کلمه دستوری شده است. در ادامه دلایلی برای دستوری‌شدگی کلمه *"done"* آورده شده است:

۱. معنی اولیه کلمه *"done"* کاملا مشخص است. کاربرد اولیه کلمه *"done"* در نقش اسمی در گروه کلمات واژگانی به معنی "دانه" است و این کلمه در تاتی کنونی نیز کاربرد اسمی خود را حفظ کرده. برای مثال:

8) a. *don-em bekerd.* "من دانه کاشتم."
seed-I planted

b. *done âdi čeme.* "دانه را به من بده."
seed give me

c. *don engâ dere.* "دانه اینجا است."

seed here is

کلمه *"done"* یک نقش جدید دستوری نیز به عنوان طبقه‌نمای عددی به دست آورده است. به عبارت دیگر، در این زبان یک صورت *done* داریم که در دو نقش (یک نقش قاموسی و یک نقش دستوری به عنوان طبقه نما) به کار رفته است. چنین وضعیتی را انشقاق[۳۱] می‌نامند که از نشانه‌های مهم دستوری‌شدگی است. انشقاق از اصول مهم دستوری‌شدگی به شمار می رود (هاپر و تراگو ۲۰۰۳: ۱۱۸، برای توضیح بیشتر در مورد اصول و سازوکارهای دستوری‌شدگی رک. نغزگوی کهن ۱۳۸۹الف).کلمه *"done"* در نقش طبقه‌نما معنای واژگانی خود را از دست داده و دچار معنی‌زدایی شده است. معنی‌زدایی نیز از جمله نشانه های مهم دستوری شدگی به شمار می‌رود.

با توجه به این ملاحظات کلمه مورد نظر بعد از به دست آوردن معنای دستوری در بافت های خاص، همزمان در بافت اولیه در معنای اولیه به کار رفته است. در این تغییر می‌توانیم تبدیل جزء واژگانی آزاد را به کلمهٔ نقشی مشاهده کنیم.

نمودار دستوری‌شدگی طبقه‌نمای *"done"*:

جزء واژگانی آزاد **>** کلمه نقشی

۲. کاربرد این طبقه‌نما از اسم اشیاء به همه اسم‌ها تعمیم یافته و این کلمه اکنون برای تمام اسم‌ها از انسان تا جانداران و بیجان‌ها به کار می‌رود. بنابراین تهی‌شدن از معنا در مورد آن رخ داده است. تهی‌شدن از معنا از سازوکارهای دستوری‌شدگی محسوب می‌شود که بر اساس آن، عناصر در روند دستوری‌شدگی‌شان معنای بسیار کلی کسب می‌کنند. تهی‌شدن از معنا معمولا در گذر از مرحله اول در طیف دستوری‌شدگی (تبدیل جزء واژگانی آزاد به کلمه نقشی) رخ می‌دهد (نغزگوی کهن ۱۳۸۹ الف: ۱۵۹). روند معنی‌زدایی در مورد طبقه‌نماهای عددی در برخی زبان‌ها همچون کره‌ای نیز رخ داده و بسته به میزان دستوری‌شدگی برای طبقه‌نماهای هر زبان متفاوت است (کو۲۰۰۸: ۶۴). این روند ناظر بر از دست‌رفتن معنای واژگانی است (نغزگوی کهن ۱۳۸۹: ۱۵۹) و نشان‌دهنده از دست‌رفتن وزن جانشینی یعنی یکپارچگی[۳۲] این کلمات است (لمان ۱۹۹۵).

از سوی دیگر، انشقاق/ واگرایی[۳۳] برای این کلمه رخ داده که بر اساس آن، بعد از دستوری‌شدگی جزء واژگانی و تبدیل آن به یک طبقه‌نمای عددی، جزء واژگانی اولیه نیز به حیات خود در این زبان به عنوان یک کلمه تمام‌عیار درست مانند کلمه‌های دیگر ادامه داده‌است. انشقاق/ واگرایی از جمله ملاک‌های دستوری‌شدگی به شمار می‌رود و از

---

[31] divergence
[32] integrity
[33] split

اصول حاکم بر دستوری‌شدگی است که در شناسایی موارد دستوری‌شده راه‌گشا هستند (هاپر و تراگو ۲۰۰۳: ۱۱۸، نغزگوی‌کهن ۱۳۸۹: ۱۵۲).

از آنجا که تنها یک طبقه‌نمای عام در این گویش به کار می‌رود، می‌توان گفت از یک طبقه واژگانی باز تنها یک طبقه‌نما به صورت صیغگان بسیار کوچکی تکامل یافته است. مثال‌هایی از کاربرد عام طبقه‌نمای *''ne''* در تاتی تاکستانی در جدول (۳) آورده شده‌است. این مثال‌ها نیز نشان می‌دهند که طبقه‌نمای عددی *''ne''* با اسم‌های دارای مرجع انسان و جاندار و بیجان به کار می‌رود.

جدول (۳): کاربرد طبقه‌نمای عام *"ne"* برای تمام اسم‌ها

فارسی	تاتی
یک نفر آدم	*inne âdam*
دو تا میز	*dönne miz*
دو تا گردو	*dönne uz*
سه تا گوسفند	*sönne čarvâ*
نه تا ساعت	*nönne sât*

۳. طبقه‌نمای *"done"* در مرحله بعدی دستوری‌شدگی به طبقه‌نمای عام برای تمام اسم‌ها تبدیل شده و در اثر کاربرد زیاد طبقه‌نما دچار سایش آوایی شده و به *"ne"* کاهش یافته است که این خود نشان‌دهنده میزان بالای دستوری‌شدگی این کلمه است. سایش آوایی نتیجه رعایت اقتصاد توسط سخنگویان در گفتار است. آن گروه از اجزای زبانی که دستوری شده‌اند، بیشتر تحت تاثیر سایش آوایی قرار می‌گیرند. این عناصر به علت معنای نسبتاً انتزاعی‌شان، ارزش اطلاعاتی کمتری نسبت به کلمات قاموسی دارند. هنگامی که یک صورت واژگانی به دو کاربرد انشقاق می‌یابد، واحد واژگانی صورت کامل زبانی خود را حفظ می‌کند اما جزء نقش‌مندشده تحت تاثیر تخفیف آوایی قرار می‌گیرد. این کاهش یا تخفیف آوایی یکی از سازوکارهای دستوری‌شدگی محسوب می‌شود (نغزگوی کهن ۱۳۸۹: ۱۶۰). سایش آوایی و تخفیف آوایی کلمه *"done"* به صورت *"ne"* تنها برای نقش طبقه‌نمای آن رخ می‌دهد و از دید تات‌زبانان در نقش اسمی چنین سایشی به هیچ وجه مجاز نیست. همچنین این کلمه در نقش طبقه‌نمای عددی در تاتی گفتاری امروز به عدد متصل می‌شود و تات‌زبانان این دو کلمه را در گفتار یا نوشتار به صورت یک واحد زبانی تلقی می‌کنند. این طبقه‌نمای کوتاه‌شده، کاربرد مستقل خود را در این گویش از دست داده و به انتهای عدد متصل می‌شود و همگونی آوایی نیز در مورد آن رخ می‌دهد که از نشانه‌های دستوری‌شدگی قوی به شمار می‌رود. بر این اساس، طبقه‌نمای مخففشده *"ne"* در گفتار به عدد قبل از خود متصل می‌شود و به یک واژه‌بست تبدیل

شده است. این واژه‌بست از نوع پی‌بستی[۳۴] است و واژه‌بست ساده محسوب می‌شود زیرا هم به شکل آوایی *"done"* کامل و هم به شکل کوتاه‌شده *"ne"* به کار می‌رود (برای ویژگی‌های واژه‌بست‌ها رک نغزگوی کهن ۱۳۸۹ ب، شقاقی ۱۳۷۶: ۱۴۱- ۱۵۷ و راسخ‌مهند ۱۳۸۸: ۱۵- ۱۶). پیش‌رفتن طبقه‌نمای *"ne"* در نمودار دستوری‌شدگی در طیف زیر نشان داده شده است:

جزء واژگانی آزاد **>** کلمه نقشی **>** واژه‌بست

مثال‌های (۹-الف و ب) کاربرد طبقه‌نمای *"ne"* به صورت واژه‌بست را نشان می‌دهند و همانطور که مثال (۹-ج) نشان می‌دهد، کلمه *"done"* در نقش اسم به معنی "بذر" نمی‌تواند به صورت مخففشده یا واژه‌بستی به کار رود و تلفظ آن به صورت مخففشده سبب غیردستوری‌شدن جمله می‌شود:

9) a. sönne mammon čomârâ bome. "سه تا مهمان آمد برای ما."
3-CL guest us came
b. arö dönne berâyon-em mišinde safar. "دو برادرم امروز می‌روند به سفر."
today 2-CL brothers-my go trip
*c. * ne âdi čeme.* "دانه را بده به من."
seed give me

۴. کلمه *"done"* در کاربرد اسمی می‌تواند به صورت جمع به کار رود، اما در نقش طبقه‌نما نمی‌تواند به صورت جمع به کار رود. عدم استفاده از نشانه جمع با طبقه‌نماهای عددی نشانه مقوله‌زدایی[۳۵] آنهاست که از ویژگی‌های دستوری‌شدگی به شمار می‌رود. مثال‌های (۱۰) کاربرد صورت جمع کلمه *"done"* در نقش اسمی را نشان می‌دهند:

10) a. az don-on-em bekerd. "من دانه‌ها را کاشتم."
I seed-Pl-Clt planted
b. don-on âdi čeme. "دانه‌ها را بده به من."
seed-Pl give me
c. don-on engâ derende. "دانه‌ها اینجا هستند."
seed-Pl here are

مثال‌های (۱۱) کاربرد مفرد کلمه *"ne"* در نقش طبقه‌نما در تاتی تاکستانی را نشان می‌دهند:

[34] enclitic
[35] categorialization

11) a. az sönne mardake mivinem. "من سه مرد را می‌بینم."
I 3-CL man see
b. mogom dönne miz agerem. "می‌خواهم دو میز بخرم."
want 2-CL table buy
c. jâ dönne öštöre mogo agerem. "آن دو تا شتر را می‌خواهم بخرم."
that 2 CL camel want buy
d. dönne berârâzon-em arö mânde čomâ kiye.
2 CL brother's children-my today come our house
"دو بچه برادرم امروز به خانه ما می‌آیند."

کاربرد طبقه‌نمای عام *"ne"* در تاتی تاکستانی در تمام موارد وجود عدد در گروه اسمی مشاهده می‌شود و بر این اساس می‌توان آن را اجباری دانست که نشان‌دهنده میزان بالای دستوری‌شدگی این طبقه‌نمای عام در تاتی تاکستانی است (لمان ۲۰۰۲: ۵۳). از سوی دیگر، تثبیت[۳۶] جایگاه کاربرد این طبقه‌نما نیز از نشانه‌های دستوری-شدگی قوی آن محسوب می‌شود. کاهش امکان تغییر جایگاه کلمه‌ها به لحاظ همنشینی منجر به تثبیت یک جایگاه خاص برای نقش طبقه‌نمای عددی در تاتی شده و این کلمه تنها قبل از عدد در گروه اسمی می‌تواند به کار رود.

۵- نتیجه‌گیری

ساخته‌شدن طبقه‌نماهای عددی در گونه تاتی تاکستانی نمونه‌ای از دستوری‌شدگی در این گویش است. بررسی طبقه‌نماهای عددی در این گویش نشان می‌دهد که این کلمه‌ها حاصل دستوری‌شدگی یک اسم به طبقه‌نما هستند. این عناصر زبانی، خصوصیات کلمه‌های قاموسی را از دست داده‌اند و در نتیجه دستوری‌شدگی، خصوصیات کلمه‌های نقشی را کسب کرده‌اند. طبقه‌نمای عددی عام *"döne"* در گونه تاکستانی زبان تاتی جایگزین سایر طبقه‌نماهای عددی در این گویش شده و در اثر کاربرد زیاد به صورت *"ne"* کاهش آوایی یافته است. بر اساس معیارهای مطرح-شده در این مقاله می‌توان گفت که دستوری‌شدگی تا حد زیادی در مورد طبقه‌نمای عددی عام *"ne"* در گونه تاتی تاکستانی رخ داده است.

منابع:

استاجی، اعظم (۱۳۸۸). «بررسی ممیزهای عدد در زبان فارسی»، *مجله زبانشناسی و گویش‌های خراسان*، س ۱، ش۱، صص ۹۳- ۱۰۸.

[36] fixation

راسخ‌مهند، محمد (۱۳۸۸)، *گفتارهایی در نحو*. تهران: نشر مرکز.

سبزعلیپور، جهاندوست (۱۳۸۹)، *زبان تاتی*. رشت: فرهنگ ایلیا.

---------- (۱۳۹۱)، *فرهنگ تاتی*. رشت: فرهنگ ایلیا، چاپ دوم.

شقاقی، ویدا (۱۳۷۶)، «واژه‌بست چیست؟»، *مجموعه مقالات سومین همایش زبانشناسی*، به کوشش محمد دبیرمقدم و یحیی مدرسی، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی و پژوهشگاه مطالعات علوم انسانی، صص ۱۴۱-۱۵۷.

نغزگوی کهن، مهرداد (۱۳۸۷). «بررسی فرایند دستوری‌شدگی در فارسی جدید»، *دستور، ویژه‌نامه نامه فرهنگستان*، پیاپی ۴: صص ۳-۲۴.

---------- (۱۳۸۹الف). «چگونگی شناسایی موارد دستوری‌شدگی»، *فصلنامه پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی*، د ۱، ش ۲، صص ۱۴۹-۱۶۵.

---------- (۱۳۸۹ ب). «از واژه بست تا وندِ تصریفی، بررسی تحول تاریخی بعضی واژه بستهای فارسی جدید»، *مجلهٔ دستور، ویژه‌نامهٔ نامهٔ فرهنگستان*، ۶: ۷۷-۹۹.

Aikhenvald, Alexandra Y.(2000). *Classifiers: A Typology of Noun Categorization Devices.* Oxford: Oxford University Press.

Allen, Keith (1977). "Classifiers". *Language*, Vol.53, No.2. Pp. 285-311.

Gebhardt, Lewis (2008). "Classifiers, Plural and definiteness in Persian". In *Aspects of Iranian Linguistics*. Simin Karimi, Donald Stilo and Vida Samiian (ed). Newcastle:Cambridge Scholars Publishing. Pp. 35- 56

Greenberg, Joseph H. (1963) "Some Universals of Grammar with Particular Reference to the Order of Meaningful Element". In *Universals of Language*. Joseph H. Greenberg (ed). 2nd ed. Massachusetts: The MIT Press. Pp.73-114.

Hopper P.J. & Traugott E. C. (2003). *Grammaticalization*. 2nd ed. Cambridge: Cambridge University Press.

Koo, Myung-Chul (2008). "Grammaticalization of Korean numeral classifiers". In *Studies on Grammaticalization*. Elizabeth Verhoeven, Stavros Skopeteas, Yong-Min Shin, Yoko Nishina, Johannes Helmbrecht (ed.). Berlin: Mouton de Gruyter. Pp. 59-76.

Kroeger, Paul R. (2005). *Analyzing Grammar, An Introduction*, Cambridge: Cambridge University Press.

Lehmann, Christian (2000). "On the German numeral classifier system". *Naturally! Linguistic studies in honour of Wolfgang Ulrich Dressler presented on the occasion of his 60th birthday.* Schaner-Wolles, Chris, Rennison, John R. & Neubarth, Friedrich (eds.), Torino: Rosenberg & Sellier. Pp. 249-253.

----------- (2002*). Thoughts on grammaticalization*, Arbeitspapiere des Seminars für Sprachwissenschaft der Universität Erfurt, 2nd ed.

Wischer, I. (2006). "Grammaticalization". *Encyclopedia of language and linguistics*. Keith Brown (ed.) 2nd edn. Elsevier.

Yar-Shater, Ehsan (1960). "The Tati Dialect of Kajal", BSOAS, 23, Pp. 275- 286.

---------- (1969). A Grammar of Southern Tati Dialects. Paris, Mouton: The Hague.

The grammaticalization of the numeral classifier, dÖne(ne)in Tâti

Abstract

Grammaticalization is the change in language whereby lexical items and constructions come in certain linguistic contexts to serve grammatical functions, and, once grammaticalized, continue to develop new grammatical functions. Classifiers typically index some perceived characteristics of the phenomenon to which the classification refers. Classifiers indicate the organization of knowledge among native speakers of a language, so they are based on common cultural aspects among speakers of that language for classifying concepts. Development of numeral classifiers in Tâti is an instance of grammaticalization. Studying numeral classifiers indicates that these words are the result of grammaticalization of a noun into a classifier. These linguistic elements have lost their lexical characteristics and instead, have gained properties of functional items. This research studies the grammaticalization process of numeral classifier "ne" in Tâti dialect of Tâkestân.

Key words: *grammaticalization, numeral classifiers, Tâti, Tâkestâni*